

کدام استاندارد؟
کدام زیبایی؟



امین کشوری



سرشناسه: کشوری، امین
عنوان و نام پدید آورنده: کدام استاندارد؟ کدام زیبایی؟ نویسنده امین کشوری
مشخصات نشر: قم: طلعه سبز، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۹۷ص: مصور (رنگی): ۱۴/۵ در ۲۱/۵ س م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۷۹-۹۹-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: آرایش -- تاریخ

موضوع: آرایش -- ایران -- جنبه های اجتماعی

رده بندی کنگره: TT ۹۵۷

رده بندی دیوی: ۶۴۶۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۰۲۲۷۰

فهرست

- ۱ گرایش پیشینیان به زیبایی و آرایش
- ۱۷ حضور زیبایی در زندگی
- ۲۴ خودنمایی و تبرج
- ۲۹ نفوذ غربی ها بر استاندارد زیبایی
- ۳۷ مد و مدگرایی
- ۴۷ لوازم آرایش
- ۵۷ جراحی های زیبایی
- استفاده ابزاری از زنان در رسانه ها،
- ۶۲ مشاغل، تبلیغ کالا و توریسم جنسی
- ۸۰ زیبایی، نعمت الهی
- ۹۰ زیبایی های ماندگار

مقدمه:

کتاب کدام استاندارد؟ کدام زیبایی؟ سعی در ارائه تصویری صحیح نسبت به مقوله زیبایی، آرایش، جلوه‌گری و آثار مطلوب و نیز پیامدهای نگاه‌های افراطی و تفریطی به آن را دارد. کتاب حاضر در پی پاسخ به سؤال‌هایی است که امروزه بیش از گذشته مهم می‌باشد.

زیبایی چیست؟

زن در کجا مجاز به جلوه‌گری هستند؟ آیا می‌توان برای زیبایی معیار و استاندارد قائل شد؟ اگر نه پس فرهنگ هوس ساخته غرب با کدام توجیه مدام استاندارد‌هایی را برای زیبایی معرفی می‌کند؟!

زنان و دختران تا چه مقدار و در چه فضایی مجاز به جلوه‌گری و تبرج هستند؟ توصیه‌های اسلام در موضوع آرایش و خودنمایی کدام است؟ موضوعات متنوع و بسیاری که در کتاب حاضر ملاحظه خواهید کرد.

گرایش پیشینیان به زیبایی و آرایش

۱

فصل اول

نگاهی به تاریخ زندگی بشر نشان می‌دهد که انسان از دیرباز به مقوله آرایش، البته نه لزوماً به معنای امروزی آن توجه داشته‌است. پس آرایش چه برای زن و چه مرد یا پسر و جوان قدمتی دیرینه دارد و با بشر همراه و همگام بوده‌است. برخی نظریه‌پردازان بر این باورند که آرایش در تاریخ اولیه بشر به جای آن‌که مفهومی زنانه و مبتنی بر زیبایی‌شناسی باشد، بیشتر برای تفکیک هویت‌ها و تعلق‌های قبیله‌ای و طایفه‌ای به‌کار می‌رفته‌است.



در جامعه‌های ابتدایی، هم زنان و هم مردان بدن‌های خود را آرایش و تزئین می‌کردند، اما نه برای زیبایی. این پدیده به سبب نیازی بود که از شرایط کار در جامعه ابتدایی پیش از تاریخ سرچشمه می‌گرفت.^۱

۱. اسماعیل باقر و حمزه انصاری، «تاریخ آرایش و آرایش در تمدن‌های مختلف»، «مجله علمی و فرهنگی»، زمستان ۱۳۸۵، شماره ۱۲، ص ۱۰۴.

مصر باستان



آن‌ها

در استفاده از
لوازم آرایشی، کلاه گیس،
حلقه‌های گل و کتان‌های
مرغوب بسیار افراط می‌کردند.
اشیای بسیاری مانند انواع شانه و
آینه بر جای مانده و حاکی از
آن است که ظاهر افراد تا
چه حد اهمیت داشته
است.^۲

اولین مردمانی که از لوازم آرایش (البته نه به شکل امروزی) استفاده می‌کردند، مصریان بودند. حدود سه هزار و پانصد سال قبل از میلاد مسیح برای مراسم مذهبی، عطریات و لوازم آرایشی مصرف می‌کردند. عصاره گیاهان را به بدن می‌مالیدند تا پوستی نرم و خوشبو داشته باشند. استفاده از حمام معطر نیز به این دوران تعلق دارد. لوازم آرایش آن زمان از ریشه، برگ و شیره درختان و برخی مواد معدنی مثل محلول تهیه می‌شد. مصری‌ها از دوده چراغ برای سیاهی ابروها یا اکسید آهن برای تهیه سرخاب استفاده می‌کردند.^۱

^۱ لوکس برادی، زیاده‌های آرایش و بهداشتی، ص ۱۶۱
^۲ جورج هارولد، تاریخ فرهنگ و تمدن مصر، ترجمه پناه پلنگ، ص ۹۱





۳

یونان باستان

لباس زنان
بنابر معیارهای امروزی، ساده
بود. لباس زنان محترم و مشخص
دوران باستان، معمولا از جنس پشم یا
کتان بود، در حالی که لباس فواحش از
پارچه‌ای زعفرانی‌رنگ و مثل تور شفاف
بود...

جامه‌ای که از شانه روی بدن می‌کشیدند یا
شال که به عنوان کلاه روی سر می‌کشیدند.
از آن‌جا که استفاده خیتون [پیراهن]
ایونایی محدود بود، از آن به عنوان
لباس شب یا زیردامنی استفاده
می‌شد.^۲

زنان یونانی، چون زنان سایر کشورها،
اندام خود را چنان که باید، زیبا
نمی‌دیدند. از این رو کف کفش‌های
خود را بلند می‌ساختند تا بلندقامت
به نظر آیند؛ نقایص بدن خود را به
وسیله پنبه و لایه‌ی اصلاح می‌کردند؛
شکم و دیگر نقاط برجسته را سخت
می‌بستند. موی سر مردمان یونان
تیره‌رنگ بوده است، موی بور در
میان آنان بسیار کم و استثنایی و
سخت مایه‌ی اعجاب و ستایش بوده
است.

بسیاری از زنان و برخی مردان، موی
خود را رنگ می‌کردند تا طلایی
شود یا سییدی آن که نشانه پیری
است، پوشیده مانند^۱.

لباس زنان
یونان
باستان



پاستان

زنان موهای خود را از وسط باز و در پشت سر شینیون می کردند یا آن‌ها را فر می زدند

برخی زنان، موی خود را با سربندی از ایاف طلا و نقره، مزین به مروارید و دیگر سنگ‌های گران بها محافظت می کردند. برخی نیز تور بر سر می انداختند یا سر و اندام خود را با پالا می پوشاندند.

چتر برای جلوگیری از تابش اشعه خورشید و بادبزن برای کاستن از گرما، مورد استفاده قرار می گرفت. بادبزن‌ها را افرادی ویژه حمل می کردند، لیکن بعدها زنان آآمد، بادبزن‌های کوچک دستی به دست می گرفتند.

انواع زیورهای چوبی چون گردن‌بند، دست‌بند، گوشواره و انگشتر، مزین به سنگ‌های گران‌بهای چون الماس، یاقوت کبود و سرخ، زمرد و مروارید به فراوانی مورد استفاده قرار می گرفت.

هم‌چنین استفاده از آئینه دستی کوچک گرد از فلز براق - که پشت آن کنده کاری شده بود - رواج داشت.



زیورآلات
زنان
پاستان



آفریقا

دختران جولن در نیجریه جنوبی مدتی از دوران پاکشایی خود را به چاق کردن خود می گذرانند. در کنیا، زنان کیکویو، گیره گوش به کار می بردند، چرا که مردان کیکویویی لاله گوش بزرگ دوست داشتند.

زنان قبایل آفریقایی ساکن «سواحل رود اوپانگی» به خاطر صفحات مدور چوبی که در لب هایشان جای می دادند مشهورند. بعضی قبایل ابتدایی، درون زخم های بزرگی که در پوست صورت ایجاد می کردند، شن و ماسه می ریختند تا پس از بهبود، جای زخم بزرگتر و به عقیده آنها زیبا و عقیده آنها زیبا و جذاب تر شود!

۱. نقاشی از: رابرت رابرتس، موزه ملی نیویورک، ص ۱۶

زنان قبایل آفریقایی





男女几各准找子几各准找子
说着位把吧难来位把吧难来
被只都做已长行都做已长行

قامت مردم چین جنوبی کوتاه‌تر از مردم چین شمالی است. با این که چهره آنان زیبا نیست، به خودآرایی علاقه دارند. پوست آنها تقریباً زرد و چشم‌های آنها مورب است.

در زمان قدیم زنان معمولاً موهای خود را دسته می‌کردند و به گل می‌آراستند؛ مردان ریش کمی می‌گذاشتند و اطراف آن را می‌تراشیدند. سلمانی‌ها بازار گرمی داشتند!

کدام استندارد؟
کدام زیبایی؟



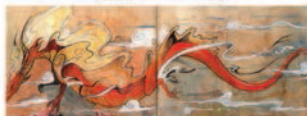
۷

زاین

بانوی نویسنده سی شوناگون،

در یادداشت‌های خود می‌نویسد:

" سر را خم کردم و چهره‌ام را
با آستین پوشانیدم . با این کار
، خطر پاک شدن پودر و نمودار
گردیدن لکه‌های چهره در میان
بود."



زنان سرخاب به گونه‌های خود
می‌مالیدند، ناخن‌ها را رنگ می‌کردند،
و گاهی لب‌زیرین را به رنگ طلا
درمی‌آوردند؛ ابروها را می‌تراشیدند
و به جای آن هلال یا اشکال دیگر
می‌کشیدند؛ در دو طرف پیشانی دو
خال سیاه می‌گذاشتند تا برای
دندان‌ها، که با رنگ سیاه پوشانیده
می‌شد، قرینه‌هایی به وجود آید.
بر آوردن کاخ گیسوی بانوان در دست
آرایشگران کاردان از دو تا شش ساعت
وقت می‌گرفت.^۱

۱. اولی‌مور، تاریخ تمدن چین، ج ۱، ص ۱۱۳.

بر آوردن
کاخ گیسوی بانوان
در دست آرایشگران
کاردان از دو تا
شش ساعت وقت
می‌گرفت.

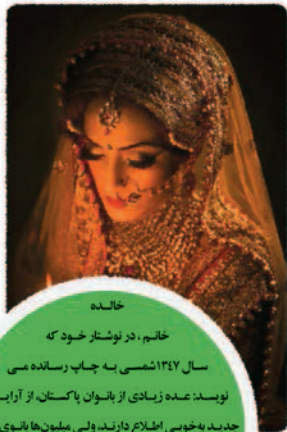
کدام استندارد؟
کدام زیبایی؟



۸

پاکستان

زنان پاکستان برای آرایش چشم به جای ریمل، کحل کحل استفاده می کنند. کحل دوده فیتله ای است که در روغن خردل یا کره می سوزانند و با بعضی مایعات خوشبو مخلوط می کنند. سرمه را هم برای تقویت چشم و خوش حالت نمودن آن به کار می برند. حنا نیز همچنان که در ایران مرسوم است، هنوز در پاکستان یکی از وسایل آرایش دست ها و ناخن ها و رنگ کردن گیسوان خاکستری است.



خالده

خانم، در نوشتار خود که

سال ۱۳۴۷ شمسی به چاپ رسانده می نویسد: عده زیادی از بانوان پاکستان، از آرایش جدید به خوبی اطلاع دارند، ولی میلیون ها بانوی دیگر عقیده دارند که آرایش های قدیم که سال های سال تحت تجربه فرار گرفته، بهتر از آرایش امروز است.

مجله خان ۱۳۴۷، شماره ۲، ص ۶۷ و ۶۸



آرایشگر شهید



۹



حزقیل، آرایشگر دختران فرعون بود. ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به جبرئیل فرمود، هر وقت تو نزد من می آیی، بویی بسیار خوش به مشامم می رسد. این بو از چیست؟ جبرئیل گفت، این بو از آرایشگر آل فرعون. روزی او مشغول آرایش دختر فرعون بود. شانه از دستش افتاد. بلافاصله گفت، بسم الله. دختر فرعون گفت، منظورت پدر من است؟ او گفت، خیر، بلکه **الله** پروردگار من و تو و پدر توست. دختر فرعون این خبر را به پدر رساند.

فرعون هم او و فرزندان او را فرا خواند و گفت، پروردگار شما کیست؟ او گفت، پروردگار من و تو الله است. آنگاه فرعون دستور داد، تنوری از مس گداخته را داغ کنند. سپس او و فرزندان او را بیاورند.

سپس فرمان داد فرزندان او یکی یکی وارد آتش شدند تا نوبت به آخرین فرزند رسید که کودک کی شیر خوار بود و به خواست خدا به سخن در آمد و گفت: ای مادر صبر کن، تو بر حق هستی. "آنگاه مادر و کودک را با هم در تنور انداختند. این بوی خوش از او و اولاد اوست!"

۱۰
آیین یهود



وصف زن بدعمل را عیناً از کتاب مقدس



کتاب حزقیال نبی،
باب شانزدهم، نقل
می‌کنیم: "...تو را
مثل نباتات صحرا
بسیار افزودم تا
ببزرگ شدی و به
زیبایی کامل رسیدی.
موهایت بلند شد؛
لیکن برهنه و عریان
بودی. عریانی تو را
مستور ساختم، با تو
عهد بستم...



تو را به روغن تدهین کردم و تو را به
لباس فلاندوزی ملبس ساختم و نعین
پوست خزه به پایت کردم و تو را به کتان
نازل آراسته و به ایریشم پیراسته ساختم و
تو را به زینت‌ها زیور دادم و دست‌بندها
بر دست و گردنبندی بر گردنت نهادم و
حلقه در بینی و گوشواره در گوش‌هایت و
تاج جمالی بر سرت نهادم. پس با طلا و
نقره آرایش یافتی و لباست از کتان نازک و
ایریشم فلاندوزی بود و آوازه تو به سبب
زیبایی‌ات در میان امت‌ها شایع شد، اما
به سبب زیبایی خود، زناکار گردیدی
و زنای خود را بر هر رهگذری ریختی.
وای بر تو وای بر تو!



کدام استندارد؟
کدام زیبایی؟

۱۱

ایران

آرایش زنان ایرانی عبارت بود از تعداد زیادی گیس بافته یا طره که شماره آن‌ها گاهی به سی تا چهل می‌رسید و طول آن تا کفل و پهلو ادامه داشت. در مواردی که زنان از داشتن موی زیاد بی‌نصیب بودند، از گیس عاریتی استفاده می‌کردند تا موی خود را انبوه و دراز جلوه دهند. چه، تعداد طره گیسوان معرف طبقه و موقعیت اجتماعی زنان بود.

ایوان دردورون
قرون وسط



گاه گیسوان را مرتب کرده، روی سر قرار می‌دادند و گاه به وسیله دام گیسو و سر آغوش گنبدار زیبایی گیسوان را نگاه می‌داشتند. «حیرات» و کدبانسوان کلان، کلاهی بلندمخروطی چون تاج به سر می‌گذاشتند که جنس آن از اطلس و حاشیه‌ای طلایی داشت. باوجود این کلاه، هرگز بی‌نقاب از خانه خارج نمی‌شدند.



۱۲

دوران صفویه

هائری ماسه ایران‌شناس فرانسوی در کتاب معتقدات و آداب ایرانی می‌گوید: «چون دیدن زنان در ایران مقدور نبود، جهانگردان اروپایی نتوانسته‌اند توضیحات مفصلی گردآوری نمایند. چنان‌که دولیه دلاند daulier - deslandes اکتفا می‌کند به ذکر این‌که زن‌ها حلقه کوچکی از یکی از دو سوراخ بینی آویزان می‌کنند و دور چشم‌ها را سیاه می‌سازند. با این‌همه، بعضی از این جهانگردان نتوانسته‌اند، به‌طور غیر مستقیم اطلاعاتی کسب بکنند.»^۱

۱. هائری ماسه معتقدات و آداب ایرانی، ترجمه مهدی رزمینر، ص ۱۱۹ و ۱۲۰

در سفرنامه شاردن، شرق شناس غربی چنین می‌خوانیم: در نظر ایرانیان هرچه رنگ رویش و موی سر و مژگان و ابرو سیاه‌تر باشد، بهتر و پسندیده‌تر است. ابروان چندان‌که انبوه‌تر و پرپشت‌تر و به هم پیوسته‌تر باشد، به چشم‌ها زیاتر می‌نماید. زنان عرب غالباً از این‌گونه ابروان نصیب دارند. آن دسته از زنان ایرانی که از داشتن ابروان پرپشت و پیوسته به هم محرومند، و ابرویشان باریک و کم‌رنگ و کم‌پشت است، با ساده‌ای سیاه‌رنگ این نقیصه را از میان برمی‌دارند.

«در باره زیور انگشتری می‌توانم به تحقیق بگویم که در هیچ نقطه روی زمین زنان به قید بانوان ایرانی انگشتری به کار نمی‌برند. به‌طور کلی می‌توان گفت هر بانوی ایرانی چند انگشتری به انگشتان خود دارد.»^۱

۱. شاردن سفرنامه شاردن، ترجمه آقان خلیلی، ص ۸۹ و ۹۰

سفرنامه شاردن



کدام استندارد؟
کدام زیبایی؟



دوران قاجاریه

۱۳

سفرنامه هانری رینا

در سفرنامه «از خراسان تا بختیاری» که هانری رنه دالماسی نگاشته و مشتمل بر طرز زندگی ایران از زمان قدیم تا پایان سلطنت قاجاریه است، چنین می‌خوانیم: آرایش صورت و پلک‌های سرمه کشیده توانایی و تسلط خاصی به او می‌دهد. زن ایرانی ملبس به کلیجه و چهارقد، ترکیب چشم او بسیار جالب توجه است، عنبیه زیبا و قرنیه کهربایی و مردمک سیاه‌رنگ چشم، کیفیت خاصی به صورت می‌دهد.

ابروان تا شقیقه‌ها امتداد یافته و قوس‌های هندسی منظمی تشکیل می‌دهند و در بالای بینی توسط یک خال مصنوعی از هم جدا می‌شوند... رنگ صورت عموماً مانند شیر سفید است و اگر این سفیدی طبیعی نباشد با آرایش آنرا به همان رنگ در می‌آورند.



همچنین گاسپارد روویل سفرنامه‌نویس فرانسوی می‌نویسد: "من می‌توانم اطمینان بدهم که در مقام مقایسه نه تنها زن‌های گرجی و چرکسی، بلکه هیچ نژادی نمی‌تواند از نظر تکامل به پای زن ایرانی برسد"

وصف
زیبارویان
در شاهنامه



فردوسی در شاهنامه ضمن بیان داستان رستم و سهراب و آمدن دختر پادشاه سمنگان به بالین رستم یک صورت زیبا را چنین ترسیم می‌کند:

دو رخ، چون عمیق یمانی به رنگ
دهان، چون دل عاشقان گشته تنگ
بناگوش تابنده خورشیدوار
فروشته دو حلقه گوشوار

در جای دیگر، فردوسی در وصف معاشقه زال و رودابه، صورت زیبای دختری را نقاشی می‌کند:

همی می‌چکد گویی از روی او
عبیر است، یکسر مگر موی او
ز سر تا به پایش گل است و سمن
به سرو سهی بر سهیل یمن
بت آرای چون او نبیند به چین
بر او ماه و پروین کند آفرین

همچنین در شاهنامه فردوسی ضمن بیان عشق ورزی رودابه و زال، مناظری از خودآرایی زنان و دل‌بستگی آنان به زیبایی‌های طبیعت توصیف شده است:

به دیبای زومی بیاراستند
سر زلف بر گل پیاراستند
برفتند هر پنج تار و دبار
به هر بوی و رنگی چو خرم بهار



هفت قلم
آرایش در
شعر حافظ

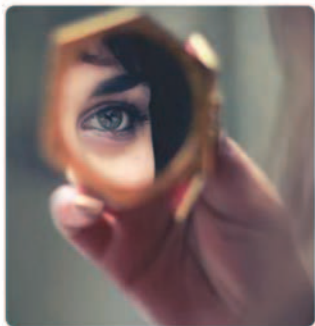
۱۵

عروس دولت تو باد هفت و نه کرده
به بام قصر جلال تو تا ابد مسکون

«هفت قلم آرایش» وسایلی جهت آرایش کامل بانوان بوده که عبارتند از: «سرمه»، «نگار» (یا حنا)، «سفیداب»، «سرخاب»، «وسمه»، «زَرک» و «خال» که در برخی کتب «قلیا» (یا عطر) به جای «زَرک» آورده شده است.^۱ زنان، در عروسی‌ها و مهمانی‌ها خود را هفت قلم آرایش می‌کردند. در این مورد، به آن‌ها می‌گفتند: «هر هفت کرده».

مراد از هفت و نه، این است که زنی غیر از هفت قلم آرایش، نه وسیله زینتی دیگر نیز برای آراستن خود به کار برد، به نام: سرآویزه، گوشواره، سلسله، حلقه پنبی، گلپنسد، بازوبند، دست برنجن، انگشتر، خلخال.^۲

۱. دکان سعدیان ندیس، هفت قلم آرایش نوزاد آرایش اولیاد، ماهنامه کتاب هنر، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۱۱۱.
۲. فرهنگ ادبی، تاریخ ادبیات ایران، ج ۳، ص ۳۱۳.



توجه به
زیبایی در
شعر سعدی



همان گونه که سعدی نشان می دهد نخستین و یکی از مهم ترین ملاک های انتخاب همسر در جامعه او، زیبایی و خوبرویی بوده است. این ملاک هم از جانب مردان مهم شمرده می شد و هم از سوی زنان.

دختری که همسر پیرمردی شده بود، سرانجام طلاق گرفت و سپس با جوانی تند، ترشروی، تهی دست و بدخوی ازدواج کرد. جور و جفا می دید و شکر نعمت حق می گفت که «الحمد لله از آن عذاب الیم برهیدم و بدین نعمت مقیم برسیدم.»

با این همه جور و تندخویی
بازت بکشم که خوبرویی



... بوی پیاز از دهن خوبروی
خوب تر از بوی گل از دست زشت

سعدی می گوید: مردی دختری داشت به غایت زشت روی که با وجود جهاز و نعمت، کسی به ازدواج با او رغبت نشان نمی داد. سرانجام به نکاح نایبایی درآوردند. طبیعی پیدا شد که دیده نایبنا درمان می کرد. پدرزن را گفتند: چرا داماد را معالجه نکنی تا یبنا شود؟ پاسخ داد: «ترسم که یبنا شود و دخترم را طلاق دهد. شوی زن زشت روی نایبنا به!»

۱- کلام سعدی، ج ۱، دفتر نشر فرهنگ، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰



انسان دوست دارد قیافه‌اش زیبا باشد، نامش زیبا باشد، جامه‌اش زیبا باشد، خطش زیبا باشد، خیابانش و شهرش زیبا باشد، مناظر جلوی چشمش زیبا باشد و خلاصه می‌خواهد هاله‌ای از زیبایی تمام زندگی‌اش را فراگیرد.^۱

۱. برناردینا سلتو، سینه‌به‌آغ، ص ۲۱۱

۱۷

فصل
دوم



دخالت
جملو
زیبک



یونانیان قدیم در مورد این سؤال که زیبایی چیست، نظر خاصی دارند و در مورد زیبایی‌شناسی گفته‌اند: «زیبایی‌شناسی تجلی و جلوه زیبایی در طبیعت و در هنر است.» در گفتارهای افلاطون، واژه «زیبایی» عموماً و در عین حال دقیقاً به آن امری اطلاق می‌شود که ما به آن «کمال» می‌گوییم. کریستین مورگن اشترن می‌گوید: «همه آنچه را که انسان با عشق نگاه کند، زیبایی است.» آنتالول فرانس می‌گوید: «به عقیده من ما هرگز به درستی نخواهیم دانست که چرا یک شیء زیباست.»^۱

۱. آنتالول فرانس، عشق و زیبایی، ص ۲۱۱



۱۸

فرموله برای زیبایی

خانم کارولین کروس میو، استاد فلسفه
دانشگاه بو فالو - دانشگاه دولتی نیویورک -
چنین می گویند:

«زیبایی چیست؟ هرگاه کسی چیزی را زیبا می خواند، به چه چیز اشاره دارد؟ این روند همیشه سردرگمی یا یک چیستان را پدید می آورد، چون ماهه های زیبایی آن چنان گوناگون اند که پیدا کردن ویژگی یکتایی که همگی در آن همراه باشند، دشوار است.

یک شعر زیباست، قو زیباست، یک ترانه، یک ژست، یک آدم هم زیباست. به باور برخی از فیلسفهانان به ویژه افلاطون، ویژگی ای که همه چیزهای همانند دلرای آن هستند و به سبب آن زیبا هستند، زیبایی نام دارد.»^۱



زیبایی چیست؟

آیا همان طور که در شیمی برای امور مادی فرمول معین می کنند، برای زیبایی نیز فرمولی وجود دارد؟ پس آیا زیبایی را می توان تعریف کرد که چیست؟ نه، نمی توان!

۱. برناردینا مکتون، ترجمه از: ۱۳۳۱

زیبایی،
نعمت الهی

خداوند متعال می فرماید: «آلذی أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلْقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ»^۱ «او همان کسی است که هر چه را آفرید، نیکو آفرید و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد.»

۱. سوره نکهله، آیه ۱۴

أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلْقَهُ

این جمله سه معنی شده است:

- ۱- محکم و استوار آفرید.
- ۲- پیش از آفرینش می دانست چگونه بسازد، بی آن که کسی به او بیاموزد.
- ۳- هر چیزی را به حکمت و خوبی آفرید، و این معنی می فهماند که خدا کفر و زشتی ها را نیافریده است.

در آیه شریفه دیگری، زیبایی در آفرینش چنین بیان شده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»^۱ «که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم.»

۱. سوره نین، آیه ۱



خدایی که هر چیز را آفرید
به نیکوترین وجه گردش پدید
بین کادمی را به روز نخست
ز خاک و گلی پاک کردی درست!

۱. سوره نکهله، آیه ۱۴



معیار زیبایی

۲۰

معیار زیبایی زن

معیار زیبایی و زشتی اندام یک زن مثل همه مواردی که با ذوق آدمی سر و کار دارد، در تغییر است و متناسب با ادواق مختلف در یک جامعه^۱.



همان گونه که صائب تبریزی سروده است:
زشت در مرتبه خویش کم از زیبا نیست
هر چه را می نگری حسن خدایی دارد

حتی ممکن است فردی در نظر کسی زیبا باشد و در نظر دیگری زشت. درباره لیلی و مجنون گفته شده: «لیلی در نظر دیگران دختر زشتی بود، اما در نظر مجنون، زیبا!» پس صفت زیبایی، یک خصوصیت نسبی است!

۱- احمد مطهری، سبای زخم قلب صائِب و شطرنج لیلی، ص ۶۸.



لیلی تا زیبا
مجنون
معهشوقه‌ی

زیبایی در
نگاه توست



**گابی شوستر، نویسنده اروپایی در کتاب
دنیای دختران چنین می گوید:**

«در واقع زیبایی در نگاه توست، نه در چیزی که به آن نگاه می کنی...
. یک کار هنری ممکن است، تو را تحت تأثیر قرار دهد و تو را به وجد آورد و کار دیگر هیچ تأثیری در تو نگذارد.»^۱

۱- گابی شوستر، دنیای دختران ترجمه کاوود تهرانی، ص ۸۱

**در کتاب توحید مفضل - که املائی امام جعفر
صادق (علیه السلام) است و در آن به مباحث
خداشناسی پرداخته شده - در مورد این مطلب
که بر روی مرد «ریش» می روید و صورت زن
از آن پیراسته می ماند، چنین می خوانیم:**

از آن جا که خداوند حکیم و والامرتبه، مرد را
قیم و مراقب زن قرار داد و زن را تابع و جفت او
گردانیده، به مرد «ریش» داد تا عزت و جلالت
و هیبت او افزوده شود و به زن نداد تا زیبایی
صورت، شادابی، طراوت و ظرافت او که برای
خوشی و هم بستری آنان مناسب تر است، نگاه
داشته شود.^۱



۱- مفضل بن عمر مفضل، شکرهای الهی (در زمینه توحید مفضل) ترجمه مطهر علی موزان، ص ۱۲۸

کدام استایل دارد؟
کدام زیبایی؟

۲۲

خرد زنان در زیبایی آن هاست

بهره‌گیری زن از زیبایی‌های
ظاهری و وجودی‌اش در تمام
مراتب باید به گونه‌ای باشد
که جلوه‌گاه و محل ظهور عقل
باشد.

یعنی استفاده او از صورت و
اندام زیبایش، از زیبایی شهوی
و غریزی‌اش، بهره‌گیری او
از عاطفه و محبت و احساس،
روی آوردنش به آرایش بدن
و لباس، حرکت‌های لطیف
اندام، ظرایف گفتار و اعمال و
توجهش به جایگاه ممتازش و...
آیه و نشانه عقل او باشد.^۱

امام علی (علیه‌السلام) فرمود:
"خرد زنان در زیبایی آنان، و
زیبایی مردان در خردهایشان
قرار دارد."^۱

۱. معجم‌المنهاج فی شرح معانی الآثار، ترجمه عبدالقادر عابدی، ج ۱، ص ۱۸۱.

جلوه‌گاه
محل ظهور
عقل

زن، دل خواه مرد است

خداوند جسم و جان زن را به گونه‌ای
آفرید که مطلوب مرد باشد.

زن با عاطفه و احساسات بی‌نظیر خود؛
با خنده‌ها، گریه‌ها و ناز و کرشمه
خویش، مرد را اسیر خود و خود را
مطلوب و محبوب مرد می‌سازد.

۱. آصف حسینی و دیگر نویسندگان، حدیثی در حدیث‌ها، ص ۲۱۹ و ۲۲۰



زیباترین
ماده آرایش
است

«الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٌ» یعنی
زن گل است. در این نگارش، زن یک
موجودی است رفیق، مظهر زیبایی و
لطف و رقت. و مرد به این چشم به
او می‌نگرد. محبت او را در این قالب
ترسیم و مجسم می‌کند.

۱. تمام مظهر رحمتی، نباتات در محیط طبع در تاریخ ۷ شهریور ماه ۱۳۸۱، برگه اول از روز و بارش هفت حلقه، ص ۸۹ و ۸۸.



در این خواهش طبیعی، اعتدال معتبر است، چه اگر دلربایی زن از این اندازه بیشتر شود و زن بخواهد از هر بیننده‌ای دل ببرد، انحرافی زشت و ناپسند خواهد بود.^۱

دکارت می‌گوید، یک زن زیبا قدرتش از یک قشون فاتح بیشتر است.^۲

۱- سید رضا صدر، روزانی، به اهتمام سید باقر حسروشناس، ص ۱۶۱.
۲- بولس فلاس، از یک قشون، ص ۹۰.

خانم جینالمبروزو (G. Lombroso)، روانشناس معروف ایتالیایی می‌گوید: «یکی از تمایلات عمیق و آرزوهای اساسی زن آن است که در چشم دیگران اثری مطلوب بخشیده و به‌وسیله حسن قیافه، زیبایی اندام، موزون بودن حرکات، خوش آهنگی صدا، طرز تکلم و بالأخره شیوه خرام خود، مطبوع طبع واقع گشته، احساسات را تحریک نموده و دیگران را مجذوب سازد.»^۱

۱- سید زین‌العابدین، سید محمد باقر، سید محمد باقر، سید محمد باقر، سید محمد باقر، ص ۱۶۱.

دل‌ربایی
مقدمه
دل‌خواهی





تبرج عبارت است از آشکار کردن زیبایی و نشان دادن زیبایی‌های صورت و اندام و اجزای تحریک کننده.

لهی خداوند از تبرج

خداوند متعال می‌فرماید: «وَقَرْنَ مِمَّنْ يَبْتَغِيْنَ الْبَهْلِيَّةَ الْأُولَىٰ وَأَقْسَمَنَّ الصُّلُوَّةَ وَآتَيْنَ الزُّكُوَّةَ وَأَطَعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۱

همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، بدون شک این یک حکم عام است، و تکیه آیات بر زنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به عنوان تأکید بیشتر است، درست مثل این‌که به شخص دانشمندی بگوییم تو که دانشمندی دروغ مگو، مفهومش این نیست که دروغ گفتن برای دیگران مجاز است، بلکه منظور این است که یک مرد عالم باید به صورت مؤکدتر و جدی‌تری از این کار پرهیز کند.^۲

جاهلیت اولی

منظور از «جاهلیت اولی» همان جاهلیتی است که مقارن عصر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بوده، و به‌طوری‌که در تواریخ آمده، در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند و دنباله روسری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند، به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردن‌بند و گوشواره‌های آن‌ها نمایان بود.^۳ این تعبیر نشان می‌دهد که جاهلیت دیگری همچون جاهلیت عرب در پیش است که ما امروز در عصر خود آثار این پیش‌گویی قرآن در دل‌های متمدن مادی را می‌بینیم.^۴

۱- سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲- ناصر مکارم و شیرازی، تفسیر نورالعقول، ج ۱، ص ۳۹ و ۳۸.

۳- ابن‌عسقلانی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۸۸.

۴- ناصر مکارم و شیرازی، تفسیر نورالعقول، ج ۱، ص ۳۹.



کدام استندار؟
کدام زیبایی؟



افراط و تفریط در خودنمایی

۲۶

بیماری خودنمایی

این‌ها سه دسته هستند:
الف) خفیف، افرادی هستند که با پوشیدن لباس‌های عجیب و غریب و یا انتخاب رنگ‌های تند و زننده، توجه دیگران را جلب می‌کنند.
ب) متوسط، بیرون گذاشتن قسمتی از بدن (ج) حاد، منحرفین (برهنگان)؛ بیماری خودنمایی در زنان مشهورتر است.^۱

ویکتور هوگو، ادیب مشهور فرانسوی می‌گوید:
«قطعا زیباترین دختر، دختری است که به زیبایی‌اش نبالد و ارزش خود را در آن نداند.»^۱

^۱ دکتر سعید صفی‌خانی در زمینه روان‌رسانه‌ها مقاله‌ها، ص ۱۰۴

تفسیر جنسی
در عرصه
عمومی

خودنمایی
زن

خودنمایی زن و تفسیر
جنسی در عرصه عمومی

مناسفانه بروز همه گونه حالات
عشوه‌گری و خودآرایی زنان
در مناظر عمومی در نظر مردان
عادی و ناآگاه، معمولاً تفسیر جنسی
می‌شود.

بدین معنا که خودنمایی و خودآرایی
و عشوه‌گری زن در نظر آنان مترادف
است با انحراف و تمایلات جنسی و
شهوانی؛

درحالی که آنچه به عنوان ابتذال در پوشش و آرایش در زنان مشاهده
می‌کنیم، بسیاری اوقات، ناشی از حس خودنمایی و ابراز وجود در میان
همجنسان است و در بسیاری از موارد انگیزه اصلی عشوه‌گری افراطی
و بیمارگونه زن، معلول بی‌توجهی مردان آنها به آنها و سرخوردگی
عاطفی است.^۱



انحرافات جنسی و فشار روانی

پدیداری انحرافات جنسی
و فشار روانی در جنس مخالف

در قرون وسطی مردم اروپا، طنازی و عشوه‌گری زن در مجامع را سحر و جادو می‌دانستند، زیرا موجب سلب اراده و اختلال روحی مردان می‌شود، به طوری که اگر شخصی زنی را در خواب می‌دید،

پس از بیداری به محکمه شکایت می‌برد و قاضی نیز آن را به عنوان جادوگری که حتی در عالم خواب در صدد اغوای مردان بوده است، به اشد مجازات، از جمله ضرب و جرح و سوزاندن گیسوان و بریدن برخی اعضای بدن محکوم می‌نمود.^۱

ناووم میخایلوویچ خودا کف، پزشک و جامعه‌شناس شوروی می‌گوید: «کسی شک ندارد که به تماشای همگان گذاشتن جنبه‌های لذت‌بخش زندگی محرمانه انسان، انسان را تا سطح حیوانات پایین می‌آورد.»^۱

۱. ناووم میخایلوویچ خودا کف، جنس و روانی، جامعه‌شناسی، صیقل، ص ۲۱



نفوذ غربی ها بر استاندارد زیبایی

۲۹

فصل چهارم

خانم نانسی لوانت
در نوشتار خود با عنوان تازاج
فرهنگی زنان آمریکایی چنین
می گوید:

آن قدر مصنوعی می شویم که دیگر
خودمان نباشیم؟ و آیا این فرهنگ
مضحک را به دختران و نوه هایمان تحمیل
خواهیم کرد؟ آیا هزینه جراحی پلاستیک
آن ها را تأمین می کنیم تا به آن ها ثابت
کنیم که ما نیز هم چون فرهنگ مان
آن ها را زشت می بینیم؟ کسی می خواهیم
نگاهی به آینه بیندازیم و بفهمیم که به
اندازه کافی زیبا هستیم.»^۱

۱. نانسی لوانت، تازاج فرهنگی زنان آمریکایی، ترجمه مریم سعادی، هیرسید، شرکت انتشار آژدی ران، می ۱۹۹۰ و



سال هاست فرمولی برای به
اصطلاح وزن طبیعی وجود
دارد: اندازه قد منهای صد، وزن
مناسب باید ده یا حتی پانزده
درصد کمتر از آن اندازه باشد.
دانشمندان آمریکایی «جدول
سایز بدن» تهیه کرده اند که
اندازه قد فرد را به اصطلاح به
سطوح مختلف تقسیم کرده اند.

به اندازه
کافی زیبا
هستیم

اندازه قد خود را در خودش
ضرب کن و بعد بر وزن واقعی
خود تقسیم کن.



کدام استندارد؟
کدام زیبایی؟

زنان بدانند
دختران
بخوانند

۳۰

دکتر کریستین نورتراب (CHNorthrup)
چنین می گویند:

«اگر قرار باشد مرتب با معیارهای
پیشنهاد شده از طرف دستگاه ارتباط
جمعی خود را مورد قضاوت قرار دهیم،
تمام مدت با جسممان در جنگ و ستیز
خواهیم بود.»



ملکه زیبایی
ملکه زیبایی

سال ۱۹۸۰ وزن «ملکه زیبایی آمریکا»
از صد و سی و چهار پوند (واحد وزن
در انگلستان برابر با ۴۵۳ گرم) در سال
۱۹۵۴، به صد و هفده پوند تنزل
پیدا کرد. بیست و پنج سال پیش،
ملکه زیبایی اندام آمریکاهشت
درصد کمتر از زن متوسط آمریکایی
آن زمان وزن داشت، در حالی که
امروز، مدل زیبایی اندام ایده آل،
بیست و پنج درصد کمتر از زن
متوسط آمریکایی وزن دارد.^۱

۱. کریستین نورتراب، جنون وزن: نحوه برانداختن بدن، ص ۲۹۹.

عشق جنسی
دائماً نیست



خانم وندی شلیت به نقل از کانت می گوید، عشق جنسی، معشوق را تنها به چشم یک شیء اشتها آور می نگرد. به محض این که معشوق در اختیار گرفته شد و آن رغبت آرام گردید، دیگر دور انداخته می شود. مثل دور انداختن لیمویی که کاملاً مکیده شده باشد.^۱

۱. وندی شلیت، طبیعت و آگاهی، ص ۲۰۲ به جنس از مترجمین، ص ۲۸



خانم دکتر نوال السعداوی،
نویسنده فمینیست مصری چنین
می گوید:

«زیبایی حقیقی، زیبایی زنی است که جز خود نباشد، زنی که برای به دام انداختن شوهر، خود را به ظاهری که در واقع متعلق به او نیست، نیاراید و سپس از بیم بی وفایی و از دست دادن شوهر، شخصیتی دروغین را به عاریت نگیرد... زیبایی به اندازه باسن، چربی زیر برجستگی ها و یا آرایش نیست، بلکه پیش از هر چیز مدیون قدرت تفکر، سلامت جسم و کمال نفس است.»^۱

۱. نوال السعداوی، پند و اندرز برای زنان، ترجمه محمد عروسی و رحیم مرادی، ص ۱۶۷



کدام استندارد؟
کدام زیبایی؟



۳۲

خودمان را با
ستارگان سینما
مقایسه نکنیم

یاد بگیرید که با
خودتان به همان
صورتی که واقعاً
هستید، کنار بیایید
و زندگی کنید.

دکتر میریام استاپرد، نویسنده
آم‌ریکایی می‌گوید:

«هیچ دختری نباید فکر کند
که باید با ستارگان عالم هنر و
سینما مطابقت داشته باشد، خوب
است به یاد داشته باشید که
یکی از دلایل این که هنرپیشه‌ها
در عکس‌ها یا در فیلم‌ها
زیبا به نظر می‌رسند، استفاده
از حقه‌های فنی، نورپردازی
مناسب و آرایش است و شاید
اگر از زاویه دیگری به آن‌ها
نگاه کنید به آن زیبایی نباشند.»

ببخودتان
اعتقاد داشته
باشید



کدام استندارد؟
کدام زیبایی؟



۳۳

دنیای دختران



**خانم ساندرز فورسایت،
فارغ التحصیل دانشگاه هاروارد
می گوید:**

«این فوق العاده مهم و حیاتی است که شما درباره سلامت جسمی و روحی و تصاویر غیرواقعی که در رسانه های گروهی تبلیغ می شود، با دخترتان صحبت کنید. مسلم است که شما دلنشان نمی خواهید او ازدیاد وزن داشته باشد ولی او باید این حقیقت را هم بداند که

هیچ نوع رژیم غذایی یا پیدا کردن هیچ راه حلی، استخوان بندی او را تغییر نخواهد داد. ضمنا رژیم غذایی شدید پیامدهای خطرناکی دارد. متخصص تغذیه در مدرسه باله آمریکا عقیده دارد که بدن مردمی که کم وزنی شدید دارند، کم کم شروع به استفاده از عضلات قلب می کنند.»^۱

۱. ساندرز فورسایت، مدرس هنرهای نمایشی دختران در جامعه نورانه است لندن، ص ۲۱۱.



۱. چهره: پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «نیکی موی؛ نیکی روی؛ نیکی زبان دارایی است و دارایی هم دارایی است.»^۱

۲. اندام: اندام زیبا همچون چهره زیبا از نعمتهای الهی است که دارای معیار و ضوابطی قطعی و قالب خاصی نیست. از این رو می‌بینیم چاقی و لاغری همراه با قامت بلند یا کوتاه‌قدی، دست، پا و انگشتانی لاغر یا پرگوشت، کوچک یا بزرگ، استخوان‌بندی ظریف یا درشت، ساق پا و آرنج‌هایی کوتاه یا دراز، پوست سفید، صورتی، تیره و... هر کدام طرفدارانی از منظر زیبایی‌شناسی دارند.^۲

۳. لباس: لباس به مثابه خانه نخستین و اختصاصی هر فرد و دارای کارکرد چند جانبه و اهداف چند منظوره است. حفاظت از سرما و گرما، پوشاندن اعضای بدن و اعطای زیبایی و آراستگی، از جمله فواید لباس به شمار می‌رود.^۳



۱. بی‌نقصانه از همه اوقاتم پاینده من ۱۱۶.
۲. آثار طبری، باب ۶۶.
۳. معاد من ۱۹.



به قول عطار نیشابوری:
گل اگر چه هست بس صاحب جمال
حسن او در هفته ای گیرد زوال



مارابل مورگان در کتاب "زنان بدانند،
دختران بخوانند" چنین آورده است:

هر زنی می داند روزی پیر می شود. با این
همه، هنگام خداحافظی با جوانی شوکه
می شود. گذشت زمان، چهره اش را پرچین
و چروک می کند. نترسیدن از پیری، یکی
از ویژگی های زنی کامل است؛ زیرا او در
جایگاه یک انسان، طرحی را اجرا می کند
که خداوند برای زندگی اش تدارک دیده
است؛ خداوند زندگی را چنان بزرگ آفریده
است که نباید لحظه ای از آن را با نالیدن
از پیری و چاقی هدر داد.^۱



۱. مارابل مورگان، زنان بدانند، طرز برخورد نرسیده انسان سفستان کوی، ص ۳۸



کدام استندارد؟
کدام زیبایی؟



زیباگرایی،
هدف
نهایی انسان
نیست

۳۶

قرآن این نوع زیباگرایی را که بخواهد، هدف نهایی و اصلی انسان قرار گیرد، محکوم می‌کند و فرد مدفون شده در محسوسات و زیبایی‌های حسی را موجودی بی‌ارزش معرفی نموده، از حالات درونی آن‌ها پرده برمی‌دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است، از این رو افراد باایمان را (که گاهی دست‌شان تهی است)، مسخره می‌کنند، در حالی که پرهیزگاران در قیامت، بالاتر از آنان هستند (چرا که ارزش‌های حقیقی در آنجا آشکار می‌گردد، و صورت عینی به خود می‌گیرد) و خداوند، هر کس را بخواهد، بدون حساب روزی می‌دهد.»

ارزش‌های
حقیقی



به گفته لوی اشتروس، دانشمند انسان شناسی بعد از مرتفع شدن نیازهای اولیه در میان انسان‌ها یک نیاز اساسی به نام (نیاز مورد توجه واقع شدن) مطرح می‌گردد، یعنی این که انسان‌ها به هر طریقی می‌خواهند مورد توجه دیگر هم‌نوعان خود قرار بگیرند و برای رسیدن به این نیاز سعی در ایجاد تفاوت و گاهی هم‌رنگی با دیگران دارند.^۱



مد (mode) لغتی فرانسوی، به معنی روش و طریقه موقت که طبق ذوق و سلیقه اهل زمان، طرز زندگی و لباس پوشیدن و غیره را تنظیم کند.

۱. طرکتر معطاد، لغت‌نامه معطاد (بر نظر معطاد مبین و سید صفر شهیدی)، ص ۲۸۱



۱. کلا شیح مفل، جوان و مدگرایی، مضاف و مفسر اجتماعی مردان، ص ۱۹۰، ص ۳۸



مد بیشتر به معنی ظاهر لباس است. پوشاک از نخستین نیازهای انسان است و نوع آن را جامعه، زمان، آب و هوا، توانایی اقتصادی و شوون اجتماعی تعیین می‌کند. قدیمی‌ترین نمونه مد در جهان مدل لباس بوده و افراد و گروه‌هایی می‌کوشیدند، از این راه به نوآوری دست بزنند.^۱

۱- سید محمد حنیف‌نژاد و فاطمه زاهدی، آسیب‌شناسی راهبردی فرهنگ بر تکرارهای مابعداراده‌ها، مطالعه‌ی پتانسیل‌های فرهنگی، شماره ۱۲، ص ۳۲

نزدیک به پنج هزار سال پیش، مصری‌ها چیزهایی شبیه کفش ساخته بودند.



پاشنه‌های ضد سلامت

مطالعه‌ای که سال ۲۰۱۱ میلادی در دانمارک انجام شد، نشان داد که چند سال استفاده از کفش‌های پاشنه بلند، خطر بیماری استئوآرتریت (جوش خوردن استخوان‌ها و مفاصل به هم و از کار افتادن آن‌ها) را تا شش برابر افزایش می‌دهد.^۱

از سال ۱۹۱۰ که تجارت جهانی شکل گرفت و کشتی‌ها و هواپیماها محموله‌ها را از این سر دنیا به آن طرف می‌بردند، فرهنگ کفش دنیا نیز در هم و برهم شد و کفش‌ها شکل بین‌المللی به خود گرفتند. هنوز هم در خیلی از کشورها مردم به دلیل گرمی هوا، پابرهنه راه می‌روند، مثل هندی‌ها، بنگال‌ها یا مردم اوگاندا!^۲

۱. کفش‌های پاشنه بلند با پای شما چه می‌کنند؟ مجله زندگی روزگاری، فروردین ۱۳۳۲، ص ۸۳.

۲. مد آری؟ مد ۲۰۰۰، مانتا، فصلی از ژورنال، شماره ۸۰ (پایان ۲۰۰۸)، ص ۲.



پاشنه‌های
ضد
سلامت

خاندان پهلوی و وارد کردن مد غربی

شمس دختر بزرگ و محبوب رضاشاه سال ۱۳۱۳ با مادر بانفوذ خود تاج‌الملوک و خواهر کوچکترش راهی سوئیس شد تا به دیدار برادر بشتابد.

در این زمان آنها از سوی سلاطین اروپایی مسود استتقبال قرار گرفتند و با خانواده‌های بزرگ اروپایی رفت و آمد کردند. سفر دوم آنان به اروپا تغییرات شگرفی در روحیات آنان پدید آورد. با استفاده از لباس‌های مد غربی، به پا کردن چکمه و پالتو و بارانی‌های مختلف مظهر شیک پوششی و زیبایی در جامعه (خانواده‌های درباری و اشراف) شدند و به‌این ترتیب با گرایش پاره‌ای از خانم‌های مرفه به تقلید از این سیستم، مقدمات رواج تفکر غربی و غرب‌گرایی را فراهم ساختند.

برخی تاریخچه مد در ایران را از دربار قاجارها می‌دانند. ناصرالدین شاه به دخترش تاج‌السلطنه -زمانی که هنوز بچه بود- امر می‌کرد، لباس‌های اروپایی ترجیحاً صورتی و سفید بپوشد. بعدها لباس‌هایی که وی در نامزدی و مهمانی‌های عروسی‌اش پوشید، ساخته شده از ابریشم صورتی با ساتن سفید بود که با نور سر به سبک عروس‌های اروپایی کامل می‌شد.

۱. فاطمه صادقی سواد مدعول، ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴، همان، ش ۳۲۱۷، ص ۱۱.

۲. نفوس کسری، بازی‌نمود خاندان پهلوی، ص ۴۰.



چه چیزی را از غرب آوردند؟

یک روز عده‌ای غرب‌زده چشم‌های خود را بستند و گفتند، ما باید همه چیز را از غرب بگیریم. آن‌ها چه چیزی را از غرب گرفتند؟ یکی از خصوصیات خوبی که اروپایی‌ها دارند، خطرپذیری است؛ منشأ عمده موفقیت‌های آن‌ها این بوده است.



آیا غرب‌زده‌های ما این را گرفتند و به ایران آوردند؟ آیا ایرانی‌ها ریسک‌پذیر شدند؟ خصوصیت خوب دیگر آن‌ها عبارت از پشتکار و از کار نگریختن است؛ آیا آن را به ایران آوردند؟ آیا این روحیه تلاش‌خستگی‌ناپذیر فقط برای علم را به ایران آوردند؟



این‌ها بخش‌های خوب فرهنگ غربی بود؛ این‌ها را که نیاوردند؛ پس چه چیزی را آوردند؟ اختلاط زن و مرد و آزادی عیاشی و پشت میزنشینی و ارزش کردن لذات و شهوات را آوردند!



ختلاط زن و مرد و عیاشی

۱. مقام معظم رهبری، جون ژانویه، ص ۳۳ و ۳۴

سودجویان
دنیای مد



سودجویانی که با ترفند، زنان را به امید زیبایی به بازار کالاهای جنسی خود می‌کشانند و بدین وسیله به انباشت هر چه بیشتر سرمایه می‌پردازند، به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند.

۱. آن‌هایی که به دستکاری در اندام زنانه پرداخته و آن را به قالب **مد** روز درآورده و سود می‌برند.

۲. آن‌هایی که پوست و این اندام دستکاری شده را با **لوازم آرایشی**، رنگ‌ها، لوسیون‌ها، امولسیون‌ها و عطرها می‌آرایند.

۳. آن‌هایی که به اندام دست‌کاری شده لباس‌های مد روز می‌پوشانند و آن را با **جواهر** زینت می‌دهند.^۱



۱. پروین رفیق، مسأله زنان و روش مارکتینگ‌ها، جغرافیه جنس، پروین رفیق، ساری آتشی و انور، آرژان، سده و پهلوانی، زینتی، ترجمه اشفاق بلعسوی، ص ۱۱۲-۱۱۹.



گریزه خود آرایه و شکل چهره گری درون

۴۳

خانم دکتر نوال السعداوی،
نویسنده فمینیست مصری
می نویسد:



بازار همیشه مملو از کالاهایی
است که باید به فروش روند و
خوشبختانه بدن زن زوایای بسیاری
دارد که ذوق «سکس شناسان»
جدید را در این راه برمی انگیزد.
زنان بومی حسرت زده‌ای که
به جست‌وجوی آخرین مدها
مشتاقانه از این سو به آن سو
می‌روند و جدیدترین مدهای
لباس و آرایش را دنبال می‌کنند

باخبر نیستند که چگونه از جوهر
انسانی تهی شده و خود را به اشیا
و یا حتی اجزایی از اشیا، بدل
کرده‌اند. آنان دیگر انسان‌های
کاملی نیستند، بلکه زیر فشار
بی‌وقته جامعه سرمایه‌داری و
مردسالاری به کالاهای صرف
بدل شده‌اند... آنان گاه وسیله
تبلیغ‌اند در خدمت فرهنگ خرید
و مصرف؛ گاه ابزار لذت، هوسرانی
و ارضای جنسی.



گریزه
خود آرایه و
شکل چهره گری

لباس های
چسبان



خانم دکتر ناتالی راجرز، نویسنده کانادایی در کتاب زن شاداب می گوید:

«چند دقیقه ای به کار خود در پیروی از مد فکر کنید. ما ابروها را باریک و دراز درست می کنیم، مژه های مصنوعی می گذاریم، موهای صورت را می سوزانیم و موهای پا و زیر بغل را برمی داریم، موی سر را با مواد شیمیایی مضر تیره و روشن می کنیم. موهای صاف را فر و موهای مجعد را صاف می کنیم. کسانی که پوست های روشن دارند، زیر آفتاب آن را تیره می کنند (اما کسانی که با پوست تیره به دنیا می آیند، از نظر وضعیت اقتصادی و اجتماعی در تنگنا هستند).

در فرهنگ غرب تیپ مشخصی از چهره ای خوب، کمال مطلوب فرض می شود و این را همه به چشم می بینیم که زیبایی ظاهری به تنهایی می تواند بسیاری از دردها را بگشاید اما این که تا چه مدت می تواند کارساز باشد، سؤال دیگری است.»



۱. تالی راجرز، زن شاداب ترجمه علی اصغر شعاعی، ص ۹۱ و ۹۲

یکی از فرهیختگان ایرانی که سال‌ها در آمریکا زندگی کرده و در حال حاضر به ایران بازگشته، می‌گوید: «سال ۱۳۴۴ یکباره در ایران پوشش لباس نظامی مُد شد و شایع بود که در آمریکا این مد روز است. چون به این کشور سفر کردم، مظاهر این پوشش را دیدم، اما با یک تفاوت عمیق باطنی که از چشم ایرانیان پنهان مانده بود. آری پس از حمله نظامیان آمریکایی به ویتنام، در میان مردم این کشور موجی از تفرس، دربارۀ این دخالت پیدا شده بود و گروهی از جوانان برای تمسخر نظامیان آمریکایی، لباس نظامی می‌پوشیدند و به استهزای آنان می‌پرداختند. اما به راستی چه چیزی به ایران منتقل شده بود؟

در نمونه دیگری می‌گوید: «در سال‌های اخیر نوع آرایش سیاه‌پوستان به ویژه ورزشکاران آن‌ها این‌گونه است که دور سر خود را می‌تراشند. از سیاه‌پوستی در آمریکا پرسیدم که چرا این‌گونه. در پاسخ گفت، برای این که نشان دهیم از ضربات باتوم پلیس آمریکا چگونه سر ما کوبیده شده و صاف به نظر می‌رسد، اما ما که در ایران زندگی می‌کنیم، می‌توانیم درک کنیم تلقی جامعه جوان ما چگونه است؟

منبای استفاده از شلوارهای پاره نیز به پانزده سال پیش برمی‌گردد که یک جوان هجده ساله به نام جان استواک که شلوار پاره داشت، خجالت می‌کشید به خیابان برود و به همین دلیل سه نفر از دوستانش هم شلوارهای خود را پاره کردند و همراه او به خیابان رفتند. به این ترتیب شلوار پاره‌ای که نماد فقر بود، در جامعه اروپایی به مد اصلی تبدیل شد.^۱



مقایسه استندارد
زیبایی
غرب و شرق

مدباید حاوی
آموزه‌های
اسلامی - ایرانی
باشد

بی چون و چرا نپذیریم

یک انسان سالم و دارای حیات، نمی‌تواند قبول کند که دیگران بدون در نظر گرفتن سلیقه او، سبکی برایش در نظر بگیرند و او بدون چون و چرا آن را بپذیرد.



بہتر است، با ظهور یک طرح و سبک جدید در هر زمینه‌ای، آن را بسنجیم و با وضعیت فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی خود تطبیق دهیم و یا حتی در مواردی، خودمان با سلیقه زیبا و دوست‌داشتنی خود، مواردی به آن اضافه یا از آن کم کنیم و آن وقت آن را در زندگی پیاده کرده و به کار بندیم. ما می‌توانیم حتی در مواردی، مد جدید را اصلاً نپذیریم چون هیچ تناسبی با روحیه و وضعیت زندگی ما ندارد!